

قحطی و گرانی نان

(۲۴ - ۱۳۲۰ شمسی)

شهلا آذری

مقدمه

سوم شهریور ۱۳۲۰، قوای شوروی از شمال و شمال شرقی و قوای انگلستان از جنوب از راه زمین و هوا و دریا به ایران حمله کردند؛ این اقدام نه تنها نقض کامل بی طرفی ایران محسوب می شد، بلکه در طول چهار سال جنگ و حتی پس از آن - مشکلاتی پدید آورد که باعث شد دولتمردان ایرانی دست کمک به سوی مستشاران خارجی دراز کنند. گذشته از جنبه های سیاسی و اجتماعی، حیات اقتصادی ایران نیز بر اثر این واقعه متزلزل شد و قحطی مردم را بسیار ناتوان ساخت. کمبود شکر و قند و پارچه و مهمتر از همه گندم سبب شد که دولت برای رفع احتیاجات ضروری مردم طرح جیره بندی را اجرا کند هر چند مسئله کمبود غلات، اواسط سال ۱۳۱۸ ایجاد شده، ولی جنگ و حضور ارتش متفقین در ایران، مزید بر علت شد و راههای چاره را سد کرد.

محصول غله ایران در سال ۱۳۱۸ به حد کافی نبود و رضاخان نیز نتوانست میان مصرف غله در نقاط پرمحصول و قحطی زده توازن برقرار سازد. همین امر موجبات سوء استفاده مقامات دولتی را فراهم آورد و در پی آن مفساد دیگری پدید آمد. در آن سال اغلب کشاورزان به سبب پائین بودن نرخ دولتی خرید گندم از کشت آن خودداری می کردند ولی رضاخان در ادامه سیاست صنعتی کردن کشور - مقداری از محصول گندم را در مقابل واردات صنعتی، به خارج صادر کرد و کار به جایی رسید که دیگر برای پر کردن سینوی تازه احداثش گندم در اختیار نداشت.

پس از سقوط رضاشاه نیز تقریباً همین وضع ادامه داشت. پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ روابط بازرگانی ایران با کشورهای اروپایی محدود شد و حمل و نقل کالاهای بازرگانی از راه دریا به سایر کشورها نیز غیرممکن گردید. بدین ترتیب معاملات خارجی کاهش یافت و واردات کالاهای ضروری مانند قند و

شکر و قماش و غله به میزان بسیار زیادی تقلیل پیدا کرد.^۲

دلایل کمبود غله

عوامل مؤثر در کمبود غله را در طول سالهای ۲۴ - ۱۳۲۱ می توان اجمالاً به صورت زیر بررسی کرد:

۱. حضور ارتش متفقین در ایران

قوای متفقین چندی پس از پایان فصل برداشت غله ایران را اشغال کردند و بسیاری از تولید کنندگان گندم فرصت را غنیمت شمردند و از عرضه محصول خود امتناع کردند. حکومت جدید نیز به جای افزایش سریع نرخ دولتی خرید گندم، کار را به دفع الوقت گذراند و نتیجه این سهل انگاری این شد که تقریباً فقط مقدار اندکی گندم از مهمترین مرکز تولید کننده آن - آذربایجان به تهران رسید.^۳ همچنین تأمین غذای ارتش یکصد هزار نفری اشغالگر و نیز یکصد هزار آواره لهستانی که از زندانهای روسیه آزاد شده و به ایران اعزام شده بودند از طریق واردات دولتی ایشان غیرممکن بود، زیرا گذشته از مشکلات حمل و نقل و فقدان تعداد کافی کشتی باری برای حمل خوار بار مورد نیاز از اقصی نقاط دنیا به خاک ایران، متفقین فاقد مواد غذایی کافی برای صدور به ایران بودند. به همین علت مقامات ارتشهای اشغالگر در ایران کلیه غلات را به سرعت و با زور سرنیزه و یا پرداخت حداقل بهای ممکن تصاحب می کردند. دولت روسیه شوروی بخش اشغالی این کشور (شمال منطقه آذربایجان) را که یکی از مراکز اصلی تولید گندم و برنج بود از بخشهای دیگر مجزا ساخت و در نتیجه تولیدات این بخش، در اختیار انحصاری مقامات شوروی در آمد که البته قسمتی از آن به مصرف خود بخش اشغالی می رسید. از سوی دیگر «ورود ارتش سرخ شوروی، نابودی مزارع و محصولات را به همراه داشت و مانع برداشت محصول گندم شده بود»^۴

در این میان انگلستان روشی را پیش



دکتر میلیسپو در مأموریت اول خود

البته فقط روسها نبودند، بلکه انگلیسها نیز همین سوء استفاده‌ها را می‌کردند.^{۲۱}

در نتیجه نابسامانی اوضاع، دولت انگلیس در صدد برآمد مقداری غله به ایران صادر کند، اما اقدام موثری نبود، به طوری که سفیر ایالات متحده آمریکا در تهران اظهار داشت: «... احساس می‌شود که دولت انگلستان، عمداً نمی‌خواهد از قحطی و گرسنگی در ایران جلوگیری به عمل آورد.» این نظر چندان هم بی‌ربط نبود، زیرا مقامات انگلیسی سرسختانه از بهبود وضع خواربار در ایران جلوگیری می‌کردند. مثلاً پس از آنکه قحطی وضع بسیار نابسامان و آشفته‌ای در کشور به وجود آورد، در نوامبر ۱۹۴۲ (آبان ۱۳۲۱) دولت انگلیس تحت فشار ایالات متحده متعهد شد که ۳۵۰۰ تن گندم را از انبارهای خود در عراق به تهران ارسال دارد تا کمبود نان را در پایتخت اندکی جبران کند. اما در عمل، به بهانه‌های مختلف، از آن جمله نبودن وسایل حمل گندم از عراق به ایران از تحویل این مقدار گندم طفره می‌رفت هر چند مدتی بعد سازمان جاسوسی (ارتش) آمریکا کشف کرد که

موجود در شعبات اداره غله که باید کامیونهای دولتی حمل کنند، به دلیل حمل و نقل و انتقال کالاهای روسها و تعهد دولت برای واگذاری کامیونها همچنان در انبارها مانده و با خطر شیش روبرو است.^{۱۱}

گزارشهایی درباره حمل گندم از نواحی مختلف ایران برای مصرف نیروهای شوروی وجود دارد که در آنها آمده است که وزارت خوارو بار در آذربایجان ۱۵۰۰ تن گندم و ۴۰۰۰ تن جو و در خوی ۵۰۰ تن گندم و در تبریز ۱۵۰۰ تن گندم به نمایندگان شوروی^{۱۲} داده است.

در حقیقت دولت ایران با ارائه این مقدار غله سرسختانه از عهده تعهد خود بر می‌آید.^{۱۳}

دولت شوروی به شدت از حمل غله استانهای قحطی زده، با کامیونهایی که در اختیار ارتش آن کشور بود، جلوگیری می‌کرد.^{۱۴}

این موضوع دولت ایران را بسیار تحت فشار قرار داده بود و برای رفع این محذور، بارها با مقامات شوروی مذاکره کرده بود.^{۱۵} و^{۱۶}

همچنین بیشتر واگنهایی که به حمل گندم اختصاص داده شده بود دارای نقص فنی بود و برای تعمیر به تهران فرستاده شده بود.^{۱۷} از سوی دیگر مأموران بی‌توجه ایستگاه راه آهن بندر شاه، با واگذاری واگنها به بازرگانان برای کالاهای تجاری، از آشفتنی اوضاع سوء استفاده می‌کردند، در نتیجه مقدار بسیاری گندم در محوطه ایستگاه در معرض باران و هوای نامناسب می‌ماند و فاسد می‌شد و خسارت بسیاری به دولت وارد می‌آورد. حال آنکه در سایر مناطق نیاز مبرمی به گندم داشتند.^{۱۸} و تلگرافهای متعددی با تقاضای کامیون و حمل غلات به وزارت دارایی می‌رسید.^{۱۹}

روسها از طریق بعضی تاجران سودجو و فرصت طلب به راحتی بی آنکه مشکل حمل و نقل کالا را داشته باشند - غلات را تهیه می‌کردند.^{۲۰}

گرفت که معمول سیاستهای استعماریش در ایران بود؛ یک کمپانی انگلیسی، غلات موجود در ایران را با نازلترین قیمت می‌خرید و در اهواز (مرکز قوای انگلیسی) انبار می‌کرد. بر اثر کمبود مواد غذایی و اتخاذ سیاست پونی قوای اشغالگر تورمی در حدود ۱۰۰۰٪ ایجاد شد که قدرت خرید مردم را به حداقل رساند.^۲ حال آنکه بر طبق ماده ۷ پیمان سه گانه^۳، متفقین می‌بایست مواد غذایی مورد نیاز خود را از خارج وارد کنند. اما عملاً از این کار شانه خالی می‌کردند و بهانه‌شان کمبود کشتیهای باری بود از این رو بیشتر احتیاجات خود را با حداقل قیمت در داخل خاک ایران تأمین می‌کردند.^۷

دولت ایران به موجب ماده سوم^۸ پیمان اتحاد سه گانه کتبه وسایل حمل و نقل زمینی و خط آهن خود را در اختیار متفقین گذاشته بود، در نتیجه کتبه کامیونها و واگنهای راه آهن که معمولاً برای حمل محموله‌های ایران از بنادر به نقاط دیگر مملکت به کار می‌رفت، برای رساندن مواد و مهمات به روسیه شوروی بسیج شد.^۹

یادداشت که در تاریخ ۱۳ دسامبر ۱۹۴۲ خطاب به ب. ج. تی بودو فرستاده شده است، همین مطلب را بیان می‌کند:

«... سمت جنوبی راه آهن در تحت نظارت کامل انگلیسها و قسمت شمالی آن در دست روسها قرار گرفت. از تعداد ۳۵۰۰ کامیونی که بنا به حساب ما در این مسکت وجود داشت ۲۵۰۰ عدد آن به وسیله یو، ک. سی. سی ایران سوترانس روسها و ارتش انگلیس ضبط گردیده از ۱۰۰۰ کامیون دیگری که باقی می‌ماند بیشتر آنها بدون لاستیک و لوازم یدکی است. دولت ایران در تمام اوقات فقط توانسته است با دادن لاستیک از ۱۵۰ عدد آن استفاده کند.»^{۱۰}

مأموران کشوری نیز این گونه مشکلات را گوشزد کرده بودند؛ تلگراف مورخ ۱۳۲۳/۳/۳ از تبریز به تهران، خطاب به نخست وزیر حاکی است که غله

مقامات انگلیسی گندم مورد نظر را از عراق به اهواز حمل کرده بودند، ولی از تحویل آن به مقامات ایرانی خودداری می کردند.^{۲۲}

گزارشی که در تاریخ ۱۳۲۱/۴/۷ از اهواز به تهران ارسال شده از این قرار است:

«... تا آخر ششم ماه جاری به هر زحمتی شده از هزار تن گندم کشتی برین ادر، ۸۶۵۸۰۰ کیلو و از ۲۵۰۰ تن آرد ۱۳۰۷۷۳۲ کیلو حمل تهران شده، کشتی تریدیک دو هزارو هفت (تن) گندم و آرد دارد که چهارصد و شصت و هفت (تن) گندم و هزار و پانصد و چهل (تن) آرد است ولی گری مکنزی تا حال آن را حمل و تحویل اهواز ننموده، همه روزه تاکید می شود ولی نتیجه گرفته نمیشود...»^{۲۳}

وضع گندم در تهران به حدی وخیم بود که در خصوص مساعدت و تشریک مساعی به منظور حمل غله بارها به نمایندگان انگلیسی هشدار داده شد. ضرورت تأمین آذوقه مردم وزارت دارایی را بر آن داشت که تمام توجه خود را به حمل گندم بخصوص از خوزستان به تهران و به سایر نقاط ایران معطوف بدارد.^{۲۴} دولت انگلیس حتی واگنهای حامل گندم را در خوزستان توقیف می کرد و گندم آنها را برای نیروهای خود در اختیار می گرفت.^{۲۵} دولت ایران به دلیل خرابی کامیونها، سفارش تعدادی لاستیک کامیون و لوازم یدکی به آمریکا داد. اما وقتی این کالاها به بنادر ایران رسید، مقامات اشغالگر انگلیسی محموله را تصاحب کردند و از تحویل آن به دولت ایران امتناع ورزیدند.^{۲۶}

در این بین دولت شوروی به منظور بهره برداری تبلیغاتی وعده تحویل ۲۵۰۰ تن گندم را به دولت ایران داد در حالی که تمام گندم استانهای شمالی را جمع می کرد به شوروی می فرستاد. دولت ایران به شوروی پیشنهاد کرد که به جای حمل ۲۵۰۰ تن گندم از شوروی به ایران این مقدار را از گندمی که به موجب

قرارداد باید به شوروی تحویل گردد، کسر کند، ولی روسها که خواهان بهره برداری تبلیغاتی و مطرح ساختن کمک خود به ایران بودند، مخالفت کردند و در پاسخ اعلام کردند که تمام ۲۵۰۰ تن گندمی که برای مردم فقیر تهران در نظر گرفته شده است باید از روسیه به ایران حمل شود سفیر شوروی در تهران اعلام کرد که دولت متبوع وی دیگر نیازی به گندم ندارد، ولی دولت شوروی عملاً به مطالبه ۵۰۰۰ تن گندم و ۱۵۰۰۰ تن جو سالیانه مطابق قرارداد به آن کشور تعلق می گرفت.^{۲۷} ادامه داد.

گذشته از این مقداری از آردی که دولت انگلیس به منظور بهبود اوضاع به ایران می فرستاد قابل استفاده نبود و پر از شپش و حشرات دیگر بود.^{۲۹}

قابل توجه اینکه ورود غله به تهران ممنوع بود، در حالی که بر طبق آئین نامه غله و نان^{۳۰} اجازه حمل به شهرستانها وجود داشت،^{۳۱} زیرا قیمت گندم در بازار آزاد خرواری ۲۰۰ تومان بود ولی سیلو مردم را وادار می کرد که گندم را ۶۰ تومان بفروشند و چون تهران بزرگترین خریدار گندم بود، متفقیین برای اینکه قدرت رقابت خریداران تهران را با خود از بین ببرند و بتوانند غله را به نرخ رسمی بخرند اجازه نمی دادند که غله وارد تهران شود.^{۳۲}

همین امر مخالفت زارعان را برانگیخت، زیرا در سالهای پیش از ۱۳۲۲ قیمت گندم در بازار آزاد ۵۰۰۰ ریال بود اداره غله مازاد محصول را به ۳۷۵۰ ریال می خرید، در حالی که در سال ۱۳۲۳ گندم در بازار آزاد به ۷۰۰۰ ریال خرید و فروش می شد، ولی قیمت دولتی آن ۲۹۰۰ ریال (حتی کمتر از سال قبل) بود و این موضوع کاملاً به ضرر کشاورزان تمام می شد.^{۳۳} بر طبق طرح وزارت خواربار، مالکان موظف بودند محصول خود را به دولت تحویل دهند و تخلف از این امر مجازات داشت.

۲ - خرابی راههای شومه

بیشتر راههای شومه به دلیل عدم توجه دولت در بازسازی آنها غیرقابل بهره برداری بود که بر حمل گندم تأثیر گذاشت؛ در بیشتر نقاط کشور گندم آماده مصرف بود، ولی خرابی راههای ماشین رو مانع حمل گندم بود گزارش فرمانداری بوشهر و بنادر که در تاریخ ۱۰/۱۰/۱۳۲۳ ارسال شد، حاکی از همین مشکل است.^{۳۴}

۳. آفت زدگی محصول و بی آبی

بروز انواع بیماریهای گیاهی و نیز خشکسالیهای متعدد باعث نابودی محصولات می شد. با این اوضاع نامساعد جوی میزان محصول گندم به تدریج به یک دهم میزان سالهای قبل^{۳۵} رسید و امید دولت برای خرید مازاد محصول کاملاً بیهوده بود.^{۳۶} خشکسالی و آفت زدگی در بیشتر استانهای ایران وضعیت مشابهی از نظر کمبود غلات ایجاد کرده بود:

تلنگراف از زرنند به تهران شماره ۷
۱۳۲۰/۷/۲۰

«... اهالی بخش زرنند با گرفتاری چند ساله سن خوارگی و آفت اشجار همگی از هستی ساقط و بنا به مندرجات جراید دولت قیمت گندم را ترقی داده و ما کشاورزان زرنند از نعمت گندم محروم، نه نان داریم، نه بذر محصول موجود...»^{۳۷}

و این امر از سال ۲۰ تا ۲۴ همچنان ادامه داشت.^{۳۸}

۴ - احتکار

احتکار گندم در برخی نواحی مانند صحرای ترکمن از دید دولتمردان مخفی نبود.^{۳۹} لذا به منظور رفع این معضل قانون منع احتکار در ۲۷ اسفند ۱۳۲۰ در ۱۸ ماده و آئین نامه اجرای آن در ۴ خرداد ۱۳۲۱ تصویب شد.^{۴۰} به موجب این آیین نامه افراد محتکر به پرداخت غرامت و با مجازاتهای دیگری محکوم می شدند.^{۴۱}

ممکنین به منظور مبارزه با محتکران

و نقل - سوها در پخت نان، بازرسانی به کار گم نشند تا به پخت نان رسیدگی کنند.^{۴۳} حتی شریدان^{۴۴} در بیانیه‌ای اعلام کرد که هر کس دربارهٔ انبار احتکار گزارشی به دولت بدهد، ۲۰ درصد از بهای جنس کشف شده نقداً به او پرداخت می‌گردد.^{۴۵}

اگر به عوامل فوق غارتگری و شرارت پادشاهان^{۴۶} را نیز بیفزاییم، روشن می‌شود که چگونه سراسر ایران تحت تأثیر عوامل داخلی و خارجی از نظر اقتصادی به شدت بیمار بود و کمک‌های خارجی نیز نتوانست علاج درد باشد. در این زمان احمد قوام از متفقین خواست که تا می‌توانند غله به ایران وارد کنند، ولی متفقین پول ایرانی نداشتند، از دولت تقاضای پانصد میلیون ریال کردند تا در ازای آن کمبود ارزاق ایران را برطرف کنند.

لایحهٔ انتشار اسکناس سرعت تقدیم مجلس شد (۱۱ فروردین ۱۳۲۱)، تا بلکه از این طریق مشکل اقتصادی مرتفع شود، ولی در جلسهٔ علنی مجلس با قوام مخالفت شد. قوام نیز یادداشتی به سفارتخانه‌های متفقین فرستاد که مجلس سیزدهم تعمداً لایحهٔ انتشار اسکناس را تصویب نمی‌کند تا به متفقین کمک ریالی نشود.^{۴۷} اما تحت فشار قوام و دول متفق این لایحه به تصویب رسید و اوضاع بیش از پیش وخیم شد. بازار دچار تشنج عظیمی گردید و تورم از ۳۰٪ به ۵۰٪ افزایش یافت^{۴۸} که نرخ نان را نیز شامل می‌شد.^{۴۹}

نمودار قیمت‌های بازار سیاه در سال ۱۳۲۲ اختلاف فاحش قیمت دولتی گندم و جو را با قیمت بازار سیاه نشان می‌دهد.^{۵۰}

مجلس سیزدهم علاج ورشکستگی اقتصادی و نجات کشور را از فقر و گرسنگی، استخدام کارشناسان آمریکایی تشخیص داد، و در ۲۱ آبان ۱۳۲۱ لایحهٔ استخدام دکتر میلپو در مجلس شورای ملی به تصویب رسید. بر اساس این لایحه دکتر آرتورس میلپو با سمت رئیس کل

دارایی ایران به مدت پنج سال استخدام شد؛ با تصویب وزیر دارایی وی در تنظیم بودجه کل کشور، تجدید سازمان وزارت دارایی و سایر دوایر وابسته و استخدام مستشاران، به تعدادی که صلاح بداند و ترفیع و تئزیزل کارمندان و انتقال یا اخراج آنان اختیار تام یافت.

اما مشکلات غله حل نشد و موجب اعتراض جمعی از نمایندگان مجلس شد. ابوالقاسم امینی، نماینده رشت، در استیضاح خود از میلپو نوشت: «هزینهٔ زندگی به نسبت سالهای قبل ۵۰٪ بالا رفته، با وجود افزایش محصول گندم در سال ۱۳۲۲ تغییری در زندگی مردم ایجاد نشده و اقدام میلپو در اجازه فروش ارزهای خارجی موجب فرار سرمایه‌های کشور به خارج شده است؛ همچنین وضع قانون مالیات بر درآمد اسراف و تبذیر در هزینهٔ دستگاههای دولتی، مسئله را حادث کرده است.»^{۵۱}

پیشنهاد مجلس شورای منی ظاهراً اقدامات فوری ذیل بود: الف) تعدیل بودجه ب) تامین خواربار عمومی ج) تثبیت قیمت‌ها و جلوگیری از ترقی آنها د) حل مسئله حمل و نقل و^{۵۲}...

ساده‌ای در می‌یابیم که موجودی غله در سیلوهای تهران، بسیار کمتر از میزان مورد نیاز بود، حتی در بعضی روزها کمتر از ۵۰۰ کیلوگندم به سیلو وارد می‌شده است. یادداشتی که در ۱۳۲۱/۱۰/۱ به لندن ارسال شده کاملاً مؤید این برداشت است.

«... معیناً موضوعی که برای ما فوق‌العاده ضروری است تا مین ۲۵۰ تن گندم برای مصرف روزانه اهالی تهران است. هیچگاه بیش از مصرف سه روز اهالی تهران، گندم در سیلوی این شهر نداشته‌ایم و نگرانی مزبور برای تشکیلات فعلی و صحیح جهت جمع‌آوری محصول ۱۹۴۳ مانع مهمی خواهد بود.»^{۵۳}

از این رو به آوردن غله از نقاط دیگر ایران به تهران اقدام کردند؛ که البته اعتراض سایر شهرستانها را برانگیخت.^{۵۴}

با این حال بر طبق بررسیهای موجود تهران در حدود ۷۳۰۰۰ تن کمبود گندم داشته است، اما فقط تا حدود مقادیر زیر امکان وارد کردن گندم از سایر نقاط به تهران وجود داشته است.

تهران ^{۵۴}	۲۰۰۰ تن	اراک
مصرف	۲۰۰۰ تن	زنجان و میانه
خرید	۲۰۰۰ تن	گرگان
۸۵۰۰۰ تن	۲۰۰۰ تن	همدان
	۴۰۰۰ تن	الیکودرز
	۱۲۰۰۰ تن	-
از بررسی آماری که به صورت نمونه در انتهای این بخش آمده است می‌توان چنین محاسبه کرد:	ورود میلپو مشکل را حل نکرد، زیرا با مراجعه به آمار موجود در سازمان اسناد ملی بخش نخست وزیری با حساب	
موجودی گندم انبار، اداره منع احتکار، انبار ارتش و غلات رسیده از شهرستانها	غله فرستاده شده به سیلو و آسیا	

وحشت مردم از کمیابی نان و گرسنگی و قحطی و غلاتی که ارتشهای بیگانه از ایران خارج می کردند، بدبینی نسبت به اقدامهای دولت و به ویژه وزارت خواربار، از خلال اسناد این دوره کاملاً مشهود است و مؤید این ادعا، بلوای ۱۷ آذر ۱۳۲۱ است که هر چند در پس ناراضی مردم، تضادهای سیاسی، فشار به دولت قوام و سعی در متلاشی کردن دولت مخفی شده بود، ولی عامل اصلی آن همانا در خواست نان و رهایی از گرسنگی بود که حتی در شعارهای آن روز نیز متجلی است.

از صبح ۱۷ آذر عده ای از محصلان کلاسهای درس را رها کردند؛ علاوه بر آنها عده کثیری از مردم نیز روبروی مجلس اجتماع کردند و از نمایندگان درخواست کردند که به اوضاع معشیت مردم رسیدگی کنند، سپس عده ای ناشناس به اجتماع آنها وارد شدند و شعارها که تا آن ساعت درباره کمیابی نان بود، به شعارهایی درباره سقوط دولت تغییر یافت.

مردم به داخل مجلس هجوم بردند پرده ها را پاره کردند و خسارات بسیاری وارد آوردند و سپهبد امیر احمدی با اعلام حکومت نظامی غائله را خاتمه داد.^{۶۲}

آنچه مسلم است کمبودهای اقتصادی و از جمله نان بود که مردم را وادار به عکس العمل کرد. واضح است که مردم نظر چندان خوشی نسبت به دولت نداشتند. در گزارش اداره اطلاعات به شهربانی در تاریخ ۲۱/۱۰/۲۰ آمده است:

«... به طوری که این چند روزه در کافه ها و اماکن عمومی امثال آن شنیده می شود توده عوام نسبت به کابینه خوش بین نبوده و تصور می رود چنانچه اداره تبلیغات به وسیله انتشارات یا سخنرانیها در امور تبلیغاتی بنماید و به آنها بفهماند که حقیقت غیر از این است و هیئت دولت شب و روز برای راحت و

آسایش آنها مشغول زحمت است، بد نباشد.^{۶۳}»

در مورد نگرانیهای مردم و هجوم به نانوایشها اسناد فراوانی در دست است؛ از جمله رونوشت گزارش شهربانی رضائیه به تاریخ ۲۱/۸/۲:

«... اداره کل شهربانی - محترماً به عرض میرساند طبق گزارش شهربانی خوی چند روز است نان در شهر کمیاب و ازدحام زیادی در جلو دکاکین نانوایشها بوده... مردم به دکاکین نانوایی که از طرف اقتصادی آرد داده می شود هجوم آورده تولید ازدحام نموده اند و بر طبق نظریه شهربانی محل اگر توجه به رفع این محذور نشود ممکن است تولید مفسادی شود که در آن موقع شهربانی با قوای غیر مکفی که دارد نخواهد توانست جلوگیری نماید^{۶۴} و...^{۶۵}»

همچنین برخی افسران ارتش مردم را به غارت انبارهای قند و شکر و سایر مواد غذایی تحریک و تشویق می کردند. که شاید مؤید ناراضی عده ای از نظامیان از اوضاع اقتصادی باشد.^{۶۶} دخالت افسران ارتش و حتی نیروهای شوروی^{۶۷} در غارت انبارها، تحصنها و اعتراض نسبت به کمیابی نان، برای مقامات انگلیسی، این تصور را به وجود آورد که این اعمال به منظور مقابله با نیروهای انگلیسی صورت می گیرد، بخصوص که در بعضی موارد، مردم غضبناک با حمله به کامیونهای سربازان انگلیسی، بانک شاهنشاهی و اداره اقتصاد خشم خود را بروز می دادند؛ تا جایی که معاون اداره ارتش سیاسی انگلیس - سرهنگ کشانالس - تهدید کرد که در صورت ادامه یافتن تحریکات مجبور به تبعید و مجازات بانیان آن خواهند شد.^{۶۸}

با توجه به عوامل مذکور مشکلات اقتصادی و مسأله قحطی و کمیابی غلات را می توان ناشی از سیاستهای نادرست دولتمردان ایرانی دانست. اگر در این برهه حساس، بازیگران صحنه سیاست، با

دیدنی باز به وقایع می نگریستند و بیشتر از آنکه در فکر رضایت شوروی و انگلیس باشند، توجه خود را به افشار کم درآمد مردم معطوف می داشتند و اگر از جریان خروج غلات از کشور به انحای مختلف جلوگیری می کردند، شاید خاطره جنگ دوم جهانی، در ذهن مردم مترادف با گرسنگی و فقر نبود.

درگیری قوام و محمدرضا پهلوی، و وحشتی که شاه جوان از قدرت رئیس الوزراء داشت باعث می شد که به منظور کوتاه کردن دست قوام، از هر وسیله ای حتی اگر به زیان مردم باشد استفاده کند؛ واقعه ۱۷ آذر ۲۱ در حقیقت یکی از تلاشهای شاه برای سقوط کابینه قوام است. استخدام مستشاران امریکایی به دلیل «دوستی قوام با آن دولت»^{۶۹} صورت گرفت، حال آنکه انگلیسها و دربار ایران چندان موافق نبودند؛ همین امر تضاد دو جناح را تشدید کرد.

در هر حال وقوع قحطی بخصوص در سالهای ۲۰ و ۲۱ فقط مولود دسته بندیهای سیاسی نبود، بلکه همان گونه که اشاره شد عوامل متعددی در آن نقش داشتند و می توان ادعا کرد که بزور قحطی با آن عوامل اجتناب ناپذیر بود، ولی راههای کاهش فشار بر مردم کاملاً مسدود نبود.

سند شماره ۱

[گزارش وزارت دارایی به نخست وزیر. تاریخ ۳۱ تیر ۱۳۲۱]

وزارت دارایی، قسمت اقتصادی، نمره ۱۳۷۳، تاریخ ۱۳۲۱/۴/۳۱

جناب آقای نخست وزیر: اداره کل گمرک، به شماره ۳۶۷۳۰/۱۵۵۰ به تاریخ ۱۳۲۱/۴/۲۷ طبق گزارشهای رسیده از اداره گمرک اهواز و اطلاعاتی که بازرس اعزامی به خرمشهر و اهواز داده گزارش می دهد که حمل کالاهای دولتی و بازرگانی از اهواز به تهران دچار اشکالات ذیل گردیده است.

۱. اداره راه آهن جنوب به وسیله انتشار آگهی رسمی به بازرگانان و اداره

گمرک محل ضلع داده است، چون واگن مستف به قدر کافی برای حمل محمولات موجود ندارد، در آتیه بدون قبول مسئولیت رجوع به دست خوردگی یا دستور لازم به بازرسی کل صادر خواهند فرمود که در حتم مدت کامیونها در اختیار اداره غنه باقی باشد. منتظر جواب فوری. از طرف معتمدین اهالی محلات تبریز.

واعظ

سند شماره ۳

[یادداشت مورخ ۲۳ دسامبر ۱۹۴۲]

ترجمه یادداشت وزارتخانه انگلیس به سفارت شاهنشاهی ایران در لندن

وزیر مختار عزیزم، اکنون می توانم اطلاعاتی را که سرالکساندر کادوگان در یادداشت شماره ۳۴ - ۱۴۴ - ۶۳۴۷ مورخ ۲۱ دسامبر راجع به آذوقه که به تهران فرستاده شده. به جنابعالی نوشته بود تکمیل کنم.

در ۱۹ دسامبر وضع آذوقه این بود که ۱،۵۰۰ تن آردی که از موجودی اولیای نظامی انگلیس مساعده داده شده بود. مستر شریهان مستشار خواربار ۱۵۰ تن آن را برای بوشهر معین و ۵۰۰ تن آرد به طهران رسیده و بقیه نیز در بین راه به طهران بود از ۳،۵۰۰ تن جو ۸۵۰ تن از اهواز به طهران رسیده و بقیه نیز در راه بود. جناب عالی به خاطر دارید که در ۱۴ دسامبر به سرالکساندر کادوگان اظهار داشتید که علاوه بر هزارتن آذوقه که به اولیای شوروی داده شده. دولت ایران موافقت کرد که ۵۴ هزار تن دیگر نیز آذوقه بدهد نتیجه تحقیقی که از وزیر مختار انگلیس در تهران شد. حاکی بر آن است که این ۵۴ هزار تن تقاضای جدیدی از طرف روسها نیست. بلکه شامل بر ۵ هزار تن گندم، ۱۵۰ هزار تن جو، ۳۰ هزار تن برنج و ۲ هزار تن سیب زمینی و ۲ هزار تن نخود و لوبیا می باشد که هئیت بازرگانی شوروی از دولت ایران

سند شماره ۱۸

۱۳۰۲ / ۱۲ / ۳۰
شماره ۴۸۸۸
وزارت کشور
فرمانداری کرمانشاهان

تبریز

وزیر مختار عزیزم، اکنون می توانم اطلاعاتی را که سرالکساندر کادوگان در یادداشت شماره ۳۴ - ۱۴۴ - ۶۳۴۷ مورخ ۲۱ دسامبر راجع به آذوقه که به تهران فرستاده شده. به جنابعالی نوشته بود تکمیل کنم.

در ۱۹ دسامبر وضع آذوقه این بود که ۱،۵۰۰ تن آردی که از موجودی اولیای نظامی انگلیس مساعده داده شده بود. مستر شریهان مستشار خواربار ۱۵۰ تن آن را برای بوشهر معین و ۵۰۰ تن آرد به طهران رسیده و بقیه نیز در بین راه به طهران بود از ۳،۵۰۰ تن جو ۸۵۰ تن از اهواز به طهران رسیده و بقیه نیز در راه بود. جناب عالی به خاطر دارید که در ۱۴ دسامبر به سرالکساندر کادوگان اظهار داشتید که علاوه بر هزارتن آذوقه که به اولیای شوروی داده شده. دولت ایران موافقت کرد که ۵۴ هزار تن دیگر نیز آذوقه بدهد نتیجه تحقیقی که از وزیر مختار انگلیس در تهران شد. حاکی بر آن است که این ۵۴ هزار تن تقاضای جدیدی از طرف روسها نیست. بلکه شامل بر ۵ هزار تن گندم، ۱۵۰ هزار تن جو، ۳۰ هزار تن برنج و ۲ هزار تن سیب زمینی و ۲ هزار تن نخود و لوبیا می باشد که هئیت بازرگانی شوروی از دولت ایران

سرقت حمل کالاها به توسط واگنهای رویار صورت خواهد گرفت. ۲. در نتیجه اشتغال واگنها به حمل محمولات ارتش انگلیس کالاهای دولتی (آرد، گندم، شکر) و کالاهای بازرگانی در انبارها و محوطه های راه آهن جمع شده، علاوه بر اینکه بیف و میل می شود با شدت گرمای خوزستان هم بیم فاسد شدن آنها نیز می رود. از نظر جلوگیری از خسارت دولت و بازرگانان مستدعی است راجع به رفع این محظورات امر به صدور و دستور اقدام مقتضی فرمایند. مراتب به وزارت امور خارجه نیز اشعار شده است.

[امضاء] وزیر دارایی

سند شماره ۲

[تلگراف واعظ به نخست وزیر ۱۳۲۲/۲/۲]
تلگراف از تبریز به تهران. شماره ۱۳۸، ۳ خرداد ۱۳۲۳

جناب آقای نخست وزیر مقدار جنس اداره غنه در شعبات موجود است که به وسیله کامیون دولتی باید حمل شود و چون فعلاً ۵۰ دستگاه کامیون بازرگانی دولتی مشغول حمل جنس هستند و پس از اتمام حمل جنس شوروپها و موعد تعهد باید به تهران مراجعه کنند، استدعا می شود مقرر فرمایند که این ۵۰ دستگاه کامیون افلاً بیست روز در تبریز به اختیار اداره غله گذارده شود تا جنس موجود شعبات اطراف را به شهرستانها حمل و از شهرستانها هم به تبریز متمرکز شود هر گاه در این باب مختصر غفلتی شود شاید در نتیجه نرساندن جنس به تبریز، قطع نظر از اینکه موجودیها به واسطه شپش خوردگی فاسد می شود پیش آمد ناگواری روی دهد که تحمل ضرر آن جبران ناپذیر گردد. بدیهی است با در نظر گرفتن اوضاع فعلی عرایض اهالی تبریز را مورد توجه فوری قرار داده و



در اکتبر گذشته خواسته بود. این ارقام را مستر شریدان داده است، به علاوه از قرار معلوم اولیای شوروی تقاضای ۶ هزار تن جو بابت یک حساب تهاتری مربوط به سابق می نمایند.

[امضاء] موریس پیترسون

سند شماره ۴

[تلگراف آقای احتسامی به نخست وزیر ۱۳۲۱/۶/۲۶]

تلگراف از زنجان به تهران، شماره ۵۰۹، ۲۶، شهریور ۲۱

جناب نخست وزیر عطف به امریه شماره ۱۳۵۴۷ راجع به حمل خواربار مخصوصاً آرد به تهران به عرض می رساند طی تلگراف شماره ۳۹۰۷ معروض نیروی شوروی اصولاً مانع از حمل و مذاکراتی هم با نماینده نیرو شده نتیجه مطلوب به دست نیامده استدعا امر و مقرر فرمایند با مقامات مربوطه خارجی مذاکره و رفع ممانعت صادر فرمایند. ۴۰۹۶

احتسامی

سند شماره ۵

[گزارش فرماندار شهرستان زنجان به وزارت کشور تاریخ ۱۲ بهمن ۱۳۲۳]

وزارت کشور، فرمانداری زنجان شماره ۳۴۴۱ تاریخ ۱۲/۱۱/۱۳۲۳

مرقومه ۲۵۹۹/م متضمن یک برگ رونوشت گزارش شهربانی و اصل و اینک خاطر شریف را قرین استحضار می دارد، به طوری که تحقیق گردید در چندی قبل کماندان شوروی به آقای نخعی کفیل فرمانداری وقت اطلاع می دهند که خواربار خیلی گران شده و اغلب دلایان و بازرگانان به توسط کامیونهای شوروی که در مراجعت از حمل مهمات خدائی برمی گردند به قزوین و تهران حمل می نمایند و اظهار نموده بود که ما دستور داده ایم که این کامیونها حق حمل ندارند و در زنجان و حرم دره جلوگیری شود آقای نخعی در اثر این گفتار کمیسینی در فرمانداری تشکیل و در روی اصل ترقی و گرانی فوق العاده خواربار و خرید و حمل خواربار به توسط بازرگانان مذاکراتی می نمایند و در

نتیجه قرار می شود که با راه آهن زنجان مذاکراتی نمایند که راه آهن در حمل اجناس نظارت بنمایند که از ترقی فاحش اجناس جلوگیری شود دیگر مذاکره با کماندانی شوروی به عمل نیامده است، بلکه همان طور که فوقاً معروض شد خود شورویها از کامیونهای خودشان که حمل خواربار می نمایند و در تحت نظر خود آنهاست، جلوگیری می نموده اند، مذاکرات شفاهی بوده و صورت مجلسی تنظیم نگردیده است که چگونگی معلوم باشد. به هر حال این مذاکرات در ماه آذر جریان داشته و فعلاً اوضاع به حال عادی است.

فرماندار شهرستان

زنجان [امضاء] فهیمی

سند شماره ۶

[گزارش وزیر خواربار به نخست وزیر تاریخ ۲۹ دی، ۱۳۲۱]

وزارت دارایی، قسمت اقتصادی، شماره ۲۳۴۲۰ تاریخ ۱۳۲۱/۱۰/۱۹

جناب آقای نخست وزیر عطف به شماره ۲۹۹۰۲ معروض میدارد. گزارش تگرافی خواربار گرگان حاکی از این است که برای حمل تنه ششصدتن گندمی که سابقاً اجازه حمل آن داده شده. واگن به اختیار خواربار نمی گذارند. این موضوع اخیراً با مقامات شوروی مذاکره و بالتجیه موافقت شده است که در حمل گندم مانع نشوند و اکنون که جب موافقت مقامات شوروی به عمل آمده به مأمورین مربوطه دستور داده شد که هر چه زودتر اقدام به حمل اجناس موجوده در محل بنمایند.

وزیر خواربار

سند شماره ۷

[گسیزش استانداری ۱۳۲۱/۹/۱۸]

وزارت کشور استانداری تاریخ ۱۸، تیر ۱۳۲۱

استانداری گزارش اصل از تبریز حاکی است باقری، شهابی، خطیری، تمام خواربار گرگان و محصول را به اسم

شورویها خریداری می نمایند از عملیات آنها باید جداً جلوگیری و در صورت اقتضا خود آنها را از محل خارج کنید. [امضاء] وزیر کشور

سند شماره ۸

[رونوشت گزارش شهربانی اصفهان به وزارت کشور. تاریخ ۱۰/آذر/۱۳۲۰]

وزارت کشور اداره کل شهربانی شماره ۳۷۶۴ مورخه ۲۰/۹/۱۰

اداره کل شهربانی پیرو مذاکرات حضوری راجع به گزارش تقدیمی در مورد اینکه نسبت به ارتش انگلیس یا مأمورین سیاسی آن دولت اتفقی رخ داده، به طوری که مشروحاً به عرض رسید، در این مورد شکایاتی یا مراجعه به شهربانی نشده است، ولی به طور کلی برای استحضار به عرض می رسد. به طوری که در شهر بین مردم شایع است، چندی است افسران و نمایندگان ارتش انگلیس چه خود مستقیماً و مستنداً و چه توسط ایرانیان مشغول خرید کلاه و ارزاق از هر نوع جنس هستند، حتی حیراً هم کلیه آلات و ادوات اتومبیلی که در مغازه های اصفهان موجود بود، خریداری نموده باز هم مشغول می باشند. روی این اصل یک عده برانیها هم در شهر و دهات اطراف شروع به خرید کرده اند که من غیر مستقیم برای انگلیس ها خریداری می کنند یا آنکه به قصد استفاده میادرت به این کار می رسند که در نتیجه این عملیات وضعیت بندی ارزاق عمومی به نحوی بالا رفته که بیشتر طبقات برای معاش روزانه خود قادر به تهیه و خرید نبوده و بلاخره وحشت و مضطراب زیادی بین اهالی ایجاد و در توده اهالی هم روی عمل خرید انگلیسها و گرانی فوق العاده ارزاق و کمی بدی جنس نان نضرتی ایجاد شده و اینطور مذاکره می کنند که کبه این وضعیت و سختیها در نتیجه عملیات و اقدامات نگهبانها بوده و بعداً هم تنگی و سختی زیادتتری روی خواهند داد. این نکته به طوری که به عرض رسیده. در افکار عمومی توده جا

گرفته و تدریجاً شدیدتر می شود، از طرفی به طوری که خاطر مبارک مستحضر است هر وقت که افراد ارتش یا افسران خارجی در شهرها دیده می شوند، روی عادت عمومی و کنج کاوی مردم یک عده اهالی و اطفال دورادور اطرف آنها جمع شده و بدون اراده و نظر خاصی مدتی به عملیات و رفتار آنها متوجه می شوند. این عادت عمومی و اجتماع اهالی در اطراف آنها با آن افکاری که در توده تدریجاً ایجاد شده و بیشتر مخلوط به بغض و کینه گردیده مأمورین شهرستانی را بیشتر متوجه پیش آمدهایی می کند که باید با هوشیاری زیاد مراقبت نمود. ولی با پراکنده بودن افراد و افسران انگلیسی در شهر و بازار و این عده قبیل افراد پاسبان مأمورین را دچار اشکال فوق العاده نموده است.

باسیار مختاری

سند شماره ۹

تلگراف از تهران به اهواز

۲۰/۴/۷۰

«آقای صیفی، پیشکار دارایی، با تأکیدات مکرر و با اینکه از مقامات انگلیسی هم به نمایندگان خودشان تأکید شده است، از حمل گندم و آرد به تهران ممانعت نکنند، بلکه مساعدت و تشریک مساعی نمایند. چرا باز حمل مسامحه می شود که موجودی تهران به مقدار ناچیزی تقلیل یابد. صراحتاً اطلاع دهید آیا باز هم در جهت حمل به تهران اشکال تراشی و اخلال می کنند و اگر اشکال یا ممانعتی هست از طرف کی و کدام مقام است و چنانچه اشکالات کلاً مرتفع شده چون موجودی تهران خیلی کم شده، بایستی حمل گندم بر کلیه محمولات مقدم بوده و تمام موجودی دو سه روزه به تهران حمل شود. ضمناً موجودی اهواز و بندر شاپور را اعم از گندم و آرد اطلاع دهید و البته متوجه خواهید بود از موجودی نباید حتی یک سیر به مصرف خوزستان برسد و کتبه موجودی باید با سرعت و وقت به تهران حمل گردد، زیرا با

به دست آمدن حاصل اگر اندک مراقبتی به عمل آید به سهولت می توانید مصرف خوزستان را عجلتاً از محصول محل تامین کنید، به هر صورت چون تهران احتیاج آبی دارد و اگر این دو روزه مقدار قابلی حمل نشود، زحمات و مشکلات سختی تولید خواهد شد، در حمل کلیه موجودی ولو با کار کردن شبانه روز باشد نهایت تسریع را به عمل آورید.»

سند شماره ۱۰

[گزارش معاون وزارت دارایی به نخست وزیر تاریخ ۲۴/۵/۱۳۲۷]
وزارت دارایی - دفتر وزیر
شماره ۱۶۶۴ / م تاریخ
۱۳۲۱/۱۰/۲۴

جناب آقای نخست وزیر: طبق نامه شماره ۲۱/۱۰/۲۰ اداره کل شهرستانی مستند به گزارش شهرستانی رضائیه از طرف آقای وزیر خواربار پس از مراجعت از خوی در حدود پانصد تن گندم از انبار خواربار خوی و شاپور و پانصدتن از ماکو و صدتن گندم و صد و پنجاه تن جو از انبار رضائیه به نیروی اتحاد جماهیر شوروی تحویل داده شده است.

[امضاء] معاون وزارت دارایی

سند شماره ۱۲

[تلگراف جمعی از زارعین و رعایای اهر به تهران ۲۴/۵/۱۳۲۷]
وزارت پست و تلگراف و تلفن
شماره ۵۷ تاریخ ۲۴/۵/۲۴
جناب آقای نخست وزیر رونوشت وزارت کشاورزی رونوشت وزارت دارایی رونوشت جناب آقای بهادری نماینده محترم مجلس کپیه تبریز غله اداره کشاورزی امسال به واسطه عدم بارندگی و خشکسالی و آفت محصول به کلی تلف و از بین رفته، به طوری که یک عشر غیر محصول گندم سالهای گذشته به دست نخواهد آمد. اگر مختصری هم باشد عبارت از جو است مالکین و زارعین

امسال هیچگونه مازادی نداشته و تسلیم تعهد غیرمقدور زارعان و اهالی محتاج بذر و آذوقه اگر از طرف دولت توجیه عاجل و اقدام سریع به عمل نیاید، سیصد هزار نفوس این شهرستان خاکستر نشین خواهند بود، استرحاناً استدعا داریم با مساعدت به مالکین و زارعین و توزیع بذر و آذوقه اهالی این شهرستان را از قحطی خلاص و به مراحم دولت شایسته هی امیدوار فرمایند.

حاجی میرحمزه باغبان حاج

فرح زاده ماهری جوادی بهرام

جعفری کرباسی، مرتضوی دادش

زاده، طرلان صمصامی، تقوی،

یوری - مدقالجی، یوسف بایپوردی

سند شماره ۱۳

[عریضه اهالی بیرجند به نخست وزیر ۲۰/۷/۷۰]

تلگراف از بیرجند به تهران

شماره ۱۳۴ تاریخ ۹/مهر/۱۳۲۰

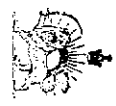
جناب آقای نخست وزیر رونوشت وزارت دارایی، آقای منصف با عرض تشکر و امتنان نسبت به بخشودگی ما به تفاوت گندم مصرف شخصی چون در اثر خشکسالی فوق العاده قایمات علاوه بر نبودن گندم دیم گندم آبی نیز کمتر از نصف بوده و در نتیجه دهستانهای قایمات در حکم قحطی است که به این جهت اهالی شهرستان نمی توانند گندم آزاد در خارج تهیه وارد شهر نمایند و عموم خانه دارهای شهر و دهستانها فوق العاده در مضیقه واقع می باشند، استدعا داریم مقرر فرمایند هزار تن گندم از محل دیگری به این شهرستان اختصاص داده و اقتصادی بیرجند به خانه دارهای شهر و دهات بفروشند، یا به تجار محلی مقرر فرمائید از نقاط ممکنه وارد و در سترس عموم اهالی بگذارند که با ارفاق دولت اهالی قایمات خود را از قحطی در سال جاری نجات دهند. از طرف اهالی بیرجند علی اکبر فروچی، یوسف زاده، خرازی، اخوان، فرزازیان، غفاری، شیوا، غلامحسین، قنادان، شعبانی، گلشنی،

۱۴. سند شماره ۴، ۱۰۲۰۰۷
 ۱۵ و ۱۶. سند شماره ۵ و ۶، گد
 ۱۰۱۰۰۸ و ۱۰۲۰۰۸.
۱۷. اسناد نخست وزیری، گد
 ۱۰۱۰۰۸ تلگراف از زنجان به تهران شماره
 ۲۱/۸/۲۴، ۰۷۱۷.
۱۸. اسناد نخست وزیری، گد
 ۱۰۱۰۰۸. وزارت دارایی، شماره ۲۷۴۵۴،
 ۲۳/۱۲/۲۲.
۱۹. اسناد نخست وزیری، گد
 ۱۰۱۰۰۸. تلگراف از رضائیه به تهران،
 شماره ۲۱/۹/۵، ۰۳۷.
۲۰. اسناد نخست وزیری سند شماره
 ۷، گد ۱۳۴۰۰۳.
۲۱. اسناد نخست وزیری سند شماره
 ۸، گد ۱۰۱۰۰۸.
۲۲. همایون الهی، همان، ص ۲۰۷.
۲۳. اسناد نخست وزیری، گد
 ۱۰۱۰۰۸. تلگراف از اهواز به تهران،
 ۱۳۲۱/۴/۷.
۲۴. اسناد نخست وزیری سند شماره
 ۱۰۱۰۰۸، ۹.
۲۵. حسین مکی، تاریخ بیست ساله
 ایران، انتشارات ایران و علمی، ج ۷، ص
 ۴۳۴.
۲۶. همایون الهی، همان ص ۲۰۸.
۲۷. ابرج ذوقی، همان، ص ۱۳۶.
۲۸. سند شماره ۱۰، گد ۱۰۱۰۰۸.
۲۹. سند شماره ۱۱، گد ۱۰۱۰۰۸.
۳۰. اسناد وزارت کشور - سری ب،
 قوانین و تصویب نامه های وزارت مالبه، گد
 ۱۵۶۰۰۱.
۳۱. درباره سوم شهریور. نقش ایران
 در جنگ دوم جهانی، ص ۲۶۰.
۳۲. گذشته چراغ راه آینده است،
 تهران، ققنوس، ۱۳۶۸، ص ۱۸۳.
۳۳. اسناد نخست وزیری، گد
 ۱۰۱۰۰۸. عریضه مالکین ماکو و خوی به
 نخست وزیری، ۲۳/۴/۱۰.
۳۴. اسناد وزارت کشور، سری ب،
 گد ۱۳۴۰۰۳. گزارش فرمانداری بوشهر به
 نخست وزیری، ۱۳۲۳/۱۰/۱۰.
۳۵. سند شماره ۱۲، گد ۱۰۱۰۰۸.
۳۶. اسناد نخست وزیری، گد
۵۳. سند شماره ۱۵، ۱۰۱۰۰۸.
 همچنین وزارت کشور، الف ۲۰۴، ۳۸۱۶-۱
 ۲۱۰۱۹-۱.
۵۴. اسناد نخست وزیری وزارت
 دارایی، قسمت اقتصادی، ۱۳۲۱/۹/۲۲.
۵۵. در خزانه سازمان اسناد، بخش
 نخست وزیری بیش از صد برگ از
 گزارشهای روزانه ورود و خروج غله از
 شهر یور تا دیماه ۱۳۲۱ موجود است، اسناد
 شماره ۱۶ و ۱۷.
۵۶. اسناد نخست وزیری، ۱۰۱۰۰۸،
 تلگراف از تهران به اهواز، ۱۳۲۱/۴/۷.
۵۷. جیره بندی کالاها در ۲۹ خرداد
 ۱۳۲۱ انجام شد.
۵۸. سرریدر بولارد، همان ص ۹۲.
۵۹. اسناد نخست وزیری ۱۰۱۰۰۸،
 وزارت خواربار، یادداشت به آقای ب. جی.
 نی بود و ۱۳ دسامبر ۱۹۴۲، تاریخ
 ۱۳۲۱/۱۰/۱.
۶۰. حسین مکی، همان، ج ۸، ص
 ۲۶۹.
۶۱. اسناد نخست وزیری ۱۰۱۰۰۸،
 گزارشهای تلگرافی استانها و شهرستانها،
 دزفول، ۱۳۲۰/۴/۴.
۶۲. حسین مکی، همان، ص
 ۳۳۱ - ۳۳۳.
۶۳. اسناد نخست وزیری ۱۰۱۰۰۸،
 اداره اطلاعات به اداره کل شهرستانی،
 ۱۳۲۱/۱۰/۲۰.
۶۴. وزارت کشور، الف ۱ - ۲۱۰۱۹
 و ۲۰۳، ۳۸۰۹ - همچنین ۱ - ۲۱۰۰۲
 ۱۹۱، ۳۶۳۱.
۶۵. سند شماره ۱۸ - ۱۰۱۰۰۸،
 همچنین ۱ - ۲۱۰۰۲ ۱۹۱، ۳۶۳۱.
۶۶. وزارت کشور الف. ۱ - ۲۱۰۰۶،
 ۲۰۳، ۳۶۶۳، همچنین سند شماره ۱۹.
۶۷. این موضوع شامل کلیه نیروهای
 متفقین می شد. وزارت کشور الف
 ۱ - ۲۰۴، ۳۸۱۱، ۲۹۰، ۱۹۱ - ۲۱۰۰۶،
 ۲۰۳، ۳۶۶۳.
۶۸. وزارت کشور الف. ۱ - ۲۶۰۰۶،
 ۲۰۳، ۳۶۶۳.
۶۹. گذشته چراغ راه آینده است،
 ص ۳۷۷.
- ۱۰۱۰۰۸، تلگراف از کازرون به تهران،
 شماره ۱۲، مورخه ۱۳۲۰/۹/۴.
۳۷. اسناد نخست وزیری، گد
 ۱۰۱۰۰۸.
۳۸. سند شماره ۱۳.
۳۹. اسناد نخست وزیری ۱۰۱۰۰۸،
 تلگراف فرمانداری گرگان به نخست وزیر،
 شماره ۲۰/۸/۳۰، ۸۹۵۹.
۴۰. وزارت کشور - سری الف
 ۴۸۷۴، ۱۰۲۷۷ - ۲۴۰۰۳. اداره نظارت
 بر خواربار در ۳۱ خرداد ۱۳۲۱، به منظور
 رسیدگی به وضعیت خواربار تشکیل شد.
۴۱. وزارت کشور - الف ۲۰۴، ۳۸۱۹
 ۱ - ۲۱۰۱۹.
۴۲. هزار روز تاریخ ایران و
 جهان، گزیده اخبار روزنامه اطلاعات، ج ۲،
 ص ۹۰۲ همچنین ۴۸۷۴، ۱۰۲۷۷ - ۳۴۰۰۳.
۴۳. مستشار امریکایی وزارت خواربار
 ۲۸، ۴۴ هزار روز تاریخ ایران و
 جهان، ج ۲، ص ۶۳۲.
۴۵. اسناد نخست وزیری ۱۰۱۰۰۸،
 اداره کل تثبیت نرخ غله، ۲۰/۱۰/۲۹.
۴۶. جعفر مهدی نیا، زندگی سیاسی
 قوام السلطنه تهران، انتشارات بانوس،
 ۱۳۶۶، ص ۱۵۳ - ۱۵۰.
۴۷. هزار روز تاریخ ایران و
 جهان، ج ۲، ص ۶۱۷.
۴۸. در گزارشهای عادی و محرمانه
 تهران و شهرستانها دقیقاً به گرانی اجناس و
 بالا رفتن نرخ کالاها ضروری اشاره شده
 است. وزارت کشور - الف ۲۸۷، ۵۰۵۴
 ۴۹. سند شماره ۱۴.
۵۰. اسناد نخست وزیری
 ۳۳ - ۱۱۶۰۰۲ بریده رونامه اطلاعات، سوم
 خرداد، ۱۳۲۳ فقط نمایندگان مجلس
 نبودند که به اقدامات دکتر میلسپر
 اعتراض می کردند، بلکه اتحادیه تجار و
 بازرگانان نیز با صدور قطعنامه مخالفت
 خود را با خلفکاریهای میلسپر اعلام کردند.
۵۱. گذشته چراغ راه آینده است،
 ص ۱۷۹.
۵۲. اسناد نخست وزیری ۱۰۱۰۰۸،
 یادداشت به آقای ب. ج نی بود و، وزارت
 خواربار ۱۳ دسامبر ۱۹۴۲ - ۱۳۲۱/۱۰/۱.

مجلس شورای ملی
تاریخ ۱۳۱۳

جناب آقای نخست وزیر
 باساف بسیار استحضاراً طریقتاً تبرسانند
 که از ارتقا و روش ریاست امور سیلوه آلان متعلق
 یا انگلیس که از پیرو برای حاصل شده است مطوار
 شیفه میباشد و درود داد اوقات لازم برای پس
 دادن آن منوطاً برایش انگلیس میباشد
 با تقدیم احترامات فائده
 ع بی و شریک ان . مستشاروزارت خواربار

وزارت خواربار



تاریخ ۱۳۱۳/۱۰/۱۰
 شماره ۶۴۲
 وزارت

H.E. The President of the
 Council of Ministers.
 Wellington,
 I regret to inform you that
 the Director of the Alto alvices
 me that the English Flour shipper
 from Zarah is full of weevils as
 I am taking the necessary steps
 to return it to the British Army

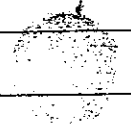
Respectfully yours
 J. J. Sheridan
 Advisor to the Ministry
 Supply



وزارت پست و تلگراف
 تلگراف

شماره فیش	تاریخ و رسول	توضیحات	تاریخ و رسول	نام گیرنده
۱	۱۳۱۳			

مجلس شورای ملی
 تاریخ ۱۳۱۳



۵۱۴۱
 ۱۳۱۳



وزارت پست و تلگراف
 تلگراف

شماره فیش	تاریخ و رسول	توضیحات	تاریخ و رسول	نام گیرنده
۱	۱۳۱۳			

مجلس شورای ملی
 تاریخ ۱۳۱۳



۵۱۴۱
 ۱۳۱۳

ملاحظات	آرد	جو	تعداد تول	گندم	نوع
	۱/۵	۱۲		۰/۵	موجودی روز ۱۳۲۱/۱/۱۶
		۰/۵	بالا	۰/۵	رسیده روز ۱۳۲۱/۱/۱۶ از غار
			بالا	۰/۵	از ساروجیانغ
		۱۲	۲		از وزن
		۳			رسیده از ایستگاه رامان و سید چمر
		۱۲			جو مستخرجه از نزل
	۴۸/۵				پرگنت آسیابان داخلی
	۵۰/۵	۳۹/۵		۱/۵	جمع موجودی و رسیده
	۴۵/۵				فرستاده بسیلو
	۱				فرستاده بشهر
		۳۹			فرستاده آسیابان داخلی
	۳/۵	۰/۵		۱/۵	موجودی صبح روز ۱۳۲۱/۱/۱۷

صورت موجودی آسیابان داخلی

ملاحظات	جو	گندم	نوع
	۱۳	۲	موجودی روز ۱۳۲۱/۱/۱۶
	۳۹		فرستاده آسیابان
	۵	۲	جمع موجودی و فرستاده
	۴۸/۵		تحریلی از آسیابان
	۳/۵	۲	موجودی آسیابان روز ۱۳۲۱/۱/۱۷

جمع موجودی انبار و آسیابان داخلی

آرد	جو	گندم
۳/۵	۴	۳/۵

رئیس اداره غله تهران - خداگان

خداگان

سند شماره ۱۶



وزارت دارائی

قسم اقتصاد

اداره
تاریخ ۱۳۲۱/۵/۱۸
شماره ۸۸۷۷

لیواست

واحد فنک تن

صورت موجودی انبار غله تهران در صبح ۲۲۱/۸/۱۸

ملاحظات	جر	گدم	آرد	نسن
	۱۲۲	۲۴۷	۶۲	موجودی صبح ۱۷ شهریور
	۸۴	۶۰	۱۱۲	رسیده
	۲۰۶	۳۰۷	۱۰۴	جمع
	۷۰	۳۲	۱۰۲	فرستاده
	۱۳۱	۲۶۰	۲	موجودی صبح ۱۸ شهریور

رئیس اداره غله تهران - نمران

۱۳۲۱/۵/۱۸

سند شماره ۱۸

قیمتهای بازاری سیاه صبیال ۱۳۲۲

کنم
—
—

